

ترجمه مقاله «استراتژی ارتباطات سیاسی حزب الله در دموکراسی توافقی: تحلیل کمی محتوای متون شبکه المنار»

نویسنده: کوتا سوچیکا

هیات علمی دانشکده روابط بین الملل دانشگاه ریتسومیکان ژاپن

منتشر شده در مجله Nationalism and Ethnic Politics در تاریخ ۲۰ آوریل ۲۰۲۵

مترجم: محمدرضا صادقی

چکیده (Abstract)

این مطالعه به بررسی تلاش‌های حزب الله برای توسعه استراتژی ارتباطات سیاسی‌اش با دیگر احزاب سیاسی در لبنان می‌پردازد. به‌طور خاص، این تحقیق با استفاده از تحلیل کمی متون، محتوای خبری شبکه المنار – رسانه اصلی حزب الله – را بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳ بررسی می‌کند؛ یعنی در بحبوحه بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لبنان. این تحلیل به روشن شدن شرایطی کمک می‌کند که تحت آن‌ها دموکراسی توافقی لبنان کارآمد یا ناکارآمد می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که حزب الله در دوره‌های بحران‌های ملی، این رویدادها را به‌عنوان اهرمی برای انتقاد از رقبای سیاسی‌اش به کار گرفته است. چنین گرایشی همچنین در گفتمان این حزب در زمینه مواجهه با اسرائیل نیز مشهود بوده است. از سوی دیگر، در پی عادی‌سازی روابط دیپلماتیک میان ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، حزب الله رویکردی مصالحه‌آمیزتر نسبت به رقبایش اتخاذ کرد. همچنین، پوشش خبری شبکه المنار در جریان کارزارهای انتخاباتی پارلمانی، لحن مثبت‌تری نسبت به دیگر احزاب داشته است، چراکه ائتلاف‌های فرامذهبی برای کسب کرسی‌ها حیاتی بوده‌اند. این پژوهش، رویکردی نوین ارائه می‌دهد که از چارچوب‌های سنتی تحلیل‌های مبتنی بر اسلام‌گرایی یا فرقه‌گرایی فاصله می‌گیرد و در عوض استراتژی ارتباطی حزب الله را به‌شکلی دینامیک و تجربی تحلیل می‌کند؛ و در نتیجه، چالش‌های فراوری دموکراسی توافقی در لبنان را روشن‌تر می‌سازد.

مقدمه (Introduction)

این مقاله با هدف بررسی تجربی ویژگی‌ها و تغییرات استراتژی ارتباطات سیاسی حزب الله در لبنان، طی سال‌های اخیر و با بهره‌گیری از روش تحلیل کمی متون نوشته شده است. حزب الله از زمان مشروعیت یافتن به‌عنوان یک حزب رسمی در سال ۱۹۹۲، یکی از تأثیرگذارترین بازیگران سیاسی در چارچوب دموکراسی توافقی لبنان بوده است. بنابراین، بررسی روابط حزب الله با دیگر احزاب و سیاستمداران، به درک شرایطی کمک می‌کند که در آن‌ها روند دموکراتیک مبتنی بر اجماع در لبنان، کارآمد یا ناکارآمد می‌شود.

برای پاسخ به این پرسش، مقاله حاضر به تحلیل تغییرات در لحن رسانه رسمی حزب الله، یعنی شبکه المنار، می‌پردازد. این تحلیل به‌صورت کمی و با استفاده از کلان‌داده‌های متنی (big data) انجام شده تا مشخص شود حزب الله در چه زمانی و تا چه حدی، لحن رسانه‌اش را نسبت به احزاب رقیب، به‌ویژه نیروهای ۱۴ مارس و احزاب تشکیل‌دهنده آن، به‌سمت مثبت یا منفی تغییر داده است؛ و نیز بررسی شود که چه عواملی باعث این تغییرات شده‌اند.

لبنان نظام دموکراسی توافقی را بر پایه تقسیم قدرت میان ۱۸ فرقه رسمی اتخاذ کرده است. با این حال، همان‌گونه که «آرند لیجفارت» – از نظریه‌پردازان اصلی دموکراسی توافقی – مطرح می‌کند، اگر احزاب نتوانند به اجماع برسند، فرآیند تصمیم‌گیری دولت فلج می‌شود. برعکس، اگر اختلافات و منازعات سیاسی به‌طور طولانی‌مدت ادامه یابند، ممکن است به درگیری‌های خشونت‌آمیز منجر شوند. نماد بارز این وضعیت در لبنان، جنگ داخلی ۱۵ ساله این کشور بود.

در سال‌های اخیر، مشکلات درونی این نظام دموکراسی توافقی با بحران‌های اجتماعی-اقتصادی ناشی از سیاست‌های نتولیبرال تشدید شده است: از جمله بحران ارزی در سپتامبر ۲۰۱۹، ناتوانی دولت در پرداخت بدهی‌ها در مارس ۲۰۲۰، انفجار بندر بیروت در آگوست ۲۰۲۰، و سپس همه‌گیری ویروس کرونا. دولت لبنان به دلیل رکود و فلج در نظام تصمیم‌گیری، توانست واکنش مؤثری به این بحران‌ها نشان دهد. افزون بر این، خلأ سیاسی شکل گرفت؛ چرا که به دلیل رقابت شدید میان احزاب و سیاستمداران، رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر برای مدت طولانی انتخاب نشدند. در نتیجه، دموکراسی توافقی لبنان وارد چرخه‌ای معیوب از «ایستایی، تعصب و فروپاشی نهادی» شد.

در این میان، اغلب انگشت اتهام به‌سوی حزب الله نشانه می‌رود. حزبی که بزرگ‌ترین نیروی سیاسی کشور محسوب می‌شود و دارای ابزارهای گسترده برای بسیج مردمی و همچنین شاخه نظامی به‌نام «مقاومت اسلامی در لبنان» است. از سال ۲۰۰۵ و پس از خروج ارتش سوریه از لبنان (انقلاب سرو

یا Cedar Revolution)، حزب الله رهبری ائتلاف سیاسی موسوم به نیروهای ۸ مارس را برعهده داشته و تلاش کرده است از طریق پیروزی‌های انتخاباتی و مذاکرات تشکیل کابینه، در ساختار قدرت مشارکت داشته باشد.

با این حال، موضع‌گیری‌های انعطاف‌ناپذیر حزب الله – به‌ویژه در موضوعات حساس مانند خلع سلاح شاخه نظامی – باعث ایجاد انسداد در فرآیندهای سیاسی، از جمله تشکیل کابینه و انتخابات ریاست‌جمهوری شده است. افزون بر آن، حزب الله تأثیر قابل توجهی در سیاست خارجی لبنان نیز داشته، از جهت‌گیری مذاکرات با صندوق بین‌المللی پول (IMF) گرفته تا روابط با سایر کشورهای خاورمیانه و قدرت‌های بزرگ جهانی.

از همین رو، بسیاری از منتقدان استدلال کرده‌اند که موضع‌گیری‌های سخت‌گیرانه حزب الله تلاشی برای تسخیر قدرت دولت با تکیه بر بازوی نظامی است و به همین دلیل، دموکراسی توافقی لبنان را تضعیف کرده است؛ پدیده‌ای که برخی تحلیل‌گران از آن با عنوان «مسئله حزب الله» یاد می‌کنند.

اما این نوع تحلیل ایستا با مشکلاتی مواجه است؛ زیرا حزب الله را صرفاً به‌عنوان یک تهدید برای دموکراسی لبنان تصویر می‌کند. نخست، چنین تحلیلی متکی بر رویکردی ذات‌گرایانه به اسلام‌گرایی است. مطالعات اولیه به‌درستی نشان داده‌اند که گفتار و رفتار حزب الله صرفاً از آموزه‌های اسلامی ناشی نمی‌شود، بلکه بیشتر ناشی از واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی سازمانی برای بقا است. دوم، این نگاه ایستا، بر برداشت بیش‌ازحد از مفهوم فرقه‌گرایی تکیه دارد. بر این اساس، اختلافات فرقه‌ای به‌طور اجتناب‌ناپذیر منجر به نزاع و درگیری میان احزاب لبنان می‌شود و از این منظر، حزب الله شیعی در تقابل با فرقه‌های دیگر باقی می‌ماند.

در حالی که در ساختار تقسیم قدرت فرقه‌ای دموکراسی توافقی لبنان، هر حزب برای حفظ قدرت سیاسی و اجتماعی خود، ناچار به همکاری با دیگر گروه‌های فرقه‌ای است. در واقع، هیچ حزب یا سیاستمداری در لبنان نمی‌تواند بدون همکاری با فرقه‌های دیگر، قدرت واقعی را اعمال کند. حزب الله نیز روابطی همکاری‌محور با احزاب متعلق به دیگر فرقه‌ها توسعه داده است. نمونه بارز آن، ائتلاف با جریان ملی آزاد (FPM) متعلق به مسیحیان مارونی و شکل‌گیری ائتلاف نیروهای ۸ مارس است.

به بیان دیگر، نگاه ایستا به رفتار حزب الله – که بر مفاهیمی چون اسلام‌گرایی و فرقه‌گرایی تکیه دارد – همچنان در چهارچوب شرق‌شناسی کلاسیک و ذات‌گرایی فرهنگی باقی مانده است و تلاش دارد رفتار حزب الله را صرفاً با متغیرهایی مانند دین و مذهب توضیح دهد. اما چنین رویکردی توان درک واقعیت‌های امروزی سیاست لبنان و رفتار حزب الله را ندارد.

برای عبور از این مشکلات، مقاله حاضر این پرسش را مطرح می‌کند: در چه شرایطی حزب الله لحن خود را نسبت به سایر احزاب به‌صورت دوستانه یا تهاجمی تنظیم می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش، نویسنده با تمرکز بر رسانه رسمی حزب الله یعنی المنار، به‌صورت کمی تغییرات زمانی در لحن پوشش این رسانه نسبت به احزاب رقیب حزب الله را بررسی می‌کند.

به‌طور خاص، مجموعه‌ای از متون خبری شبکه المنار بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳ گردآوری شده است؛ یعنی دورانی که بحران‌های اقتصادی و سیاسی لبنان به‌شدت رو به وخامت گذاشته بود. این مطالعه، با تحلیل کمی این کلان‌داده متنی، تغییرات لحن مثبت یا منفی رسانه حزب الله نسبت به نیروهای ۱۴ مارس را تحلیل می‌کند.

این رویکرد، تلاشی نو و تجربی برای تحلیل استراتژی ارتباطی حزب الله به‌شکل دینامیک محسوب می‌شود؛ و همچنین می‌تواند درک بهتری از شرایط کارآمدی یا ناکارآمدی دموکراسی توافقی در لبنان به دست دهد.

تا کنون مطالعات برجسته‌ای درباره گفت‌وگو و ایدئولوژی حزب الله انجام شده‌اند، همچنین تحقیقات بسیاری درباره رسانه‌های وابسته به حزب الله (نشریات، رادیو، تلویزیون و اینترنت) در دسترس است. از میان آن‌ها، پژوهش ماتر و خطیب، تحلیلی جامع از ارتباطات سیاسی حزب الله ارائه می‌دهد و آن را عامل کلیدی در تکامل سیاسی و موفقیت حزب می‌داند؛ به‌ویژه روش‌ها و ابزارهایی که حزب الله از زمان تأسیسش در سال ۱۹۸۲ به کار گرفته است.

همچنین مجموعه پژوهش‌های زهیره حرب، نقش شبکه المنار را در دوره‌های مختلف سیاسی حزب الله بررسی کرده است؛ از جمله آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، جنگ ۳۳ روزه در ۲۰۰۶، و بهار عربی در ۲۰۱۱. این مطالعات، با تحلیل‌های کیفی دقیق، نشان داده‌اند که حزب الله چگونه تلاش کرده است برای حفظ بقا، گفتمان خود را متناسب با شرایط سیاسی تغییر داده و منتشر کند.

با این حال، این مطالعات اگرچه در تحلیل ویژگی‌های برخی متون محدود دقیق عمل کرده‌اند، اما قادر به بررسی تغییرات بلندمدت در کل گفتمان رسانه‌ای حزب الله نبوده‌اند. علاوه بر این، تمرکز بیشتر آن‌ها بر موضوعاتی چون اسرائیل و آمریکا به‌عنوان دشمنان اصلی حزب، یا بر انقلاب اسلامی

و دولت اسلامی ایده آل مطرح شده در «نامه سرگشاده» سال ۱۹۸۵ بوده است؛ در حالی که کمتر به تحلیل گفتمان حزب الله در عرصه سیاست داخلی لبنان و به ویژه درباره نیروهای ۱۴ مارس پرداخته‌اند.

بر این اساس، مقاله حاضر احتمالاً تنها مطالعه‌ای است که به صورت تجربی و کمی گفتمان حزب الله و المنار را به صورت زمان مند و در ارتباط با شرایط سیاسی متغیر تحلیل می‌کند. با وجود اینکه روش تحلیل کمی متون در حوزه‌های مختلف علمی توسعه یافته، در مطالعات خاورمیانه، به ویژه پژوهش‌های مبتنی بر زبان عربی، چندان مورد استفاده قرار نگرفته است.

علت این امر می‌تواند به چالش‌هایی همچون مشکلات خط و دستور زبان عربی در سیستم‌های رایانه‌ای یا جدایی سنتی میان روش‌های کیفی و کمی در مطالعات خاورمیانه مربوط باشد. از این رو، مقاله حاضر می‌تواند به توسعه روش‌شناسی تحلیل کمی متون در متون عربی زبان نیز کمک شایانی کند.

استراتژی ارتباطات سیاسی حزب الله

حزب الله و ارتباطات سیاسی

«ارتباطات سیاسی» به عنوان ارتباطی هدفمند درباره سیاست تعریف می‌شود.

در این زمینه، «خطیب» درباره اهداف حزب الله در ارتباطات سیاسی اش می‌نویسد:

«حزب الله همواره به تصویر عمومی خود توجه داشته و تلاش کرده آن را مدیریت و نهادینه کند تا به مشروعیت دست یابد، با گروه‌های مختلف ارتباط برقرار کند و اهداف سیاسی اش را محقق سازد... فعالیت‌ها و بسیج‌گری‌های حزب الله نتیجه عاملیت نخبگان و ایدئولوگ‌های آن، و پیاده‌سازی استراتژی ارتباطات سیاسی برای گسترش پایگاه حمایتی و افزایش نفوذش بوده است.»

حزب الله در ابتدا به عنوان یک سازمان مقاومت مردمی و مسلح علیه نیروهای اسرائیل در جنگ ۱۹۸۲ لبنان شکل گرفت و با حمایت ایران و سوریه، به سرعت قدرت نظامی قابل توجهی کسب کرد. در همین زمان، حملات انتحاری و گروگان‌گیری‌های اتباع غربی نیز بخشی از فعالیت‌هایش بود که باعث شد در لبنان و خارج از آن، به عنوان «سازمانی تروریستی» شناخته شود.

با این حال، پس از پایان جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۹۰، رهبری حزب الله تصمیم گرفت برای بقای سازمان در چارچوب دموکراسی توافقی لبنان، به سمت مشروعیت سیاسی گام بردارد و در نخستین انتخابات عمومی پس از جنگ در سال ۱۹۹۲ شرکت کند؛ در حالی که هم‌زمان خواستار اصلاح نظام تقسیم قدرت فرقه‌ای بود.

از این رو، استراتژی ارتباطات سیاسی حزب الله بر پایه زدودن تصویر گذشته به عنوان «سازمانی تروریستی»، حفظ گفتمان مقاومت (مقاومه) در برابر اسرائیل و حامی‌اش یعنی آمریکا، و ایفای نقش به عنوان حزبی ملی در درون دولت لبنان بنا نهاده شد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، درخواست برای خلع سلاح شاخه نظامی حزب الله بود؛ درخواستی که هم از داخل لبنان و هم از خارج (به ویژه آمریکا و اسرائیل) مطرح می‌شد. از نظر حزب الله، خلع سلاح این شاخه به منزله تهدیدی جدی برای بقای آن به عنوان سازمان مقاومت محسوب می‌شود. بنابراین، رهبری حزب توانسته است در چارچوب ارتباطات سیاسی اش، با تأکید بر ضرورت و مشروعیت مقاومت در برابر دشمنان گوناگون، حفظ شاخه نظامی را توجیه و تثبیت کند.

شبکه المنار و سیاست پارلمانی

این مقاله تمرکز خود را بر شبکه المنار قرار داده است؛ رسانه‌ای که نقش کلیدی در استراتژی ارتباطات سیاسی حزب الله ایفا کرده است. المنار در ژوئیه ۱۹۹۱ تأسیس شد، یعنی زمانی که حزب الله آماده ورود به عرصه سیاست پارلمانی بود. در سال ۲۰۰۰ این شبکه به پخش ماهواره‌ای روی آورد. نکته قابل توجه آن است که المنار در آستانه انتخابات عمومی ۱۹۹۲، پخش برنامه‌هایش را به صورت تمام وقت آغاز کرد؛ همان انتخاباتی که حزب الله برای نخستین بار در آن شرکت کرد.

محتوای پخش المنار عمدتاً شامل اخبار داخلی و بین‌المللی، برنامه‌های دینی و فرهنگی است، اما همچنین پوشش گسترده‌ای از سخنرانی‌های دبیرکل سید حسن نصرالله و دیگر رهبران حزب دارد، به طوری که به سخنگوی رسمی رهبری حزب الله تبدیل شده است.

در واقع، المنار تحت نظارت یکی از پنج شورای مرکزی حزب الله – شورای اجرایی (المجلس التنفيذي) – فعالیت می‌کند. هدف اصلی این شبکه، بیان مواضع رسمی حزب و تبیین رویدادها از دیدگاه حزب برای هواداران و مخاطبان داخلی و خارجی است، چه در سطح سیاست داخلی لبنان و چه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی.

نقش المنار در دوره پس از انقلاب سرو (۲۰۰۵) – که پایان سلطه سوریه بر لبنان را رقم زد – بیشتر شد. در این دوره، حزب الله ائتلاف سیاسی موسوم به نیروهای ۸ مارس را تشکیل داد و در مقابل، نیروهای ۱۴ مارس به رهبری جریان المستقبل و سعد حریری شکل گرفتند. نتیجه این وضعیت، گذار سیاست لبنان به سوی یک نظام شبه‌دوحزی بود.

با این حال، در نظام تقسیم قدرت فرقه‌ای لبنان، هیچ حزبی نمی‌تواند بدون توافق با رقبای فرقه‌ای دیگر، قدرت تصمیم‌گیری مؤثر داشته باشد. بنابراین، نه تنها حزب الله، بلکه احزاب دیگر نیز لحن گفتمان خود را بسته به شرایط سیاسی، میان انتقاد و مصالحه تنظیم می‌کنند.

برای نمونه:

در جنگ لبنان ۲۰۰۶، احزاب مختلف با تمرکز بر اسرائیل به عنوان دشمن مشترک، به وحدت ملی دست یافتند؛ در بحران تشکیل کابینه سال ۲۰۰۸، بن بست سیاسی به درگیری خشونت‌آمیز میان حامیان دو ائتلاف اصلی انجامید؛ در بحران سوریه (از ۲۰۱۱ به بعد)، نیروهای ۸ مارس از حکومت بشار اسد حمایت کردند، در حالی که نیروهای ۱۴ مارس آن را دیکتاتوری خوانده و محکوم کردند، و شکاف میان آن‌ها عمیق‌تر شد.

رهبری حزب الله نیز استراتژی ارتباطی خود را بر اساس بقا و گسترش پایگاه مردمی بنا نهاده و همواره در تلاش بوده است لحن گفتمان‌ش در قبال رقبای به گونه‌ای بهینه تنظیم کند.

لبنان در دوران بحران‌ها

چرخه معیوب: بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

دوره زمانی مورد بررسی در این مقاله، از ۱ ژانویه ۲۰۱۷ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ را در بر می‌گیرد. این بازه زمانی با درگیری‌های مکرر سیاسی میان نیروهای ۸ مارس و ۱۴ مارس بر سر رهبری دولت همراه بوده است. تشدید این اختلافات منجر به فلج شدن روند تصمیم‌گیری در چارچوب دموکراسی توافقی لبنان شده است.

در نتیجه، مجموعه‌ای از بحران‌های اقتصادی-اجتماعی جدی لبنان را در بر گرفته است. با این حال، دولت لبنان و نیز احزاب و سیاستمداران، نه تنها در برابر این بحران‌ها ناتوان نشان دادند، بلکه با ناتوانی در انتصاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، خلأ سیاسی خطرناکی ایجاد کردند. می‌توان گفت که دموکراسی توافقی لبنان، برای چند سال، به حالت «غیرفعال» در آمده بود؛ علت اصلی این وضعیت، توافق نانوشته ملی برای پرهیز از دامن زدن به بحران سوریه و پیامدهای آن بود. با نادیده گرفتن موضوع اختلاف‌برانگیز روابط با رژیم اسد، شدت شکاف‌های داخلی کاهش یافت و انتخابات پارلمانی که قرار بود در مه ۲۰۱۳ برگزار شود، بارها به تعویق افتاد.

اما پس از فتح حلب در دسامبر ۲۰۱۶ و تثبیت سلطه نظامی و سیاسی رژیم اسد، بار دیگر فضای سیاسی لبنان فعال شد و زمینه برای برگزاری انتخابات سال ۲۰۱۸ فراهم آمد.

با این وجود، همان گونه که پیش‌تر گفته شد، لبنان وارد چرخه‌ای معیوب از بحران‌های اقتصادی و سیاسی شد. مقاله حاضر بر همین دوره‌ی بحرانی تمرکز دارد: ژانویه ۲۰۱۷ تا دسامبر ۲۰۲۳، که شامل یک سال پیش و یک سال پس از دو انتخابات پارلمانی (۲۰۱۸ و ۲۰۲۲) نیز می‌شود.

دوره بحران: لبنان در چرخه‌ای معیوب از بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، پس از سال ۲۰۱۶، لبنان وارد چرخه‌ای معیوب از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شد. این مقاله بر بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۷ تا دسامبر ۲۰۲۳ تمرکز دارد؛ دوره‌ای که وضعیت کشور به‌طور چشمگیری وخیم شد. این بازه، یک سال پیش و یک سال پس از دو انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ را نیز در بر می‌گیرد.

رویدادهای کلیدی

در طول این دوره بحرانی، حزب الله چگونه تلاش کرد جایگاه خود را در برابر ائتلاف رقیب یعنی نیروهای ۱۴ مارس تثبیت کند تا بقای خود و منافع ائتلاف نیروهای ۸ مارس را حفظ نماید؟ رویدادهای کلیدی که فضای سیاسی لبنان را تغییر داده‌اند و احتمالاً بر استراتژی ارتباطات سیاسی حزب الله و به‌ویژه لحن پوشش خبری شبکه المنار اثر گذاشته‌اند، به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند:

T۱: بحران عربستان - لبنان (نوامبر ۲۰۱۷)

در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۷، سعد حریری زمانی که در عربستان سعودی در بازداشت خانگی قرار داشت، اعلام استعفا از سمت نخست‌وزیری کرد. ایران، حامی اصلی حزب الله، این استعفا را به شدت محکوم کرد و آن را بخشی از توطئه‌ای از سوی آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی دانست. این استعفا

باعث کاهش ارزش اوراق قرضه لبنان و هشدارهایی درباره کاهش رتبه اعتباری کشور شد. سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله، اعلام کرد که «عربستان عملاً به لبنان و حزب الله اعلان جنگ کرده است.»

T۲: انتخابات سراسری ۲۰۱۸

در تاریخ ۶ مه ۲۰۱۸، پس از پنج سال تأخیر، انتخابات پارلمانی لبنان با قانون جدیدی مبتنی بر نظام تناسبی برگزار شد. این نخستین بار بود که چنین سیستمی در لبنان به کار گرفته می شد. وزارت کشور اعلام کرد که تا شش مارس، ۷۷ لیست انتخاباتی با مجموع ۵۸۳ نامزد ثبت شده اند. نتیجه انتخابات به پیروزی نیروهای ۸ مارس انجامید و حزب الله و متحدانش به بزرگ ترین بلوک پارلمانی تبدیل شدند. نصرالله این نتیجه را «پیروزی بزرگ اخلاقی و سیاسی برای حزب الله» دانست. پس از ۹ ماه مذاکره، دولت وحدت ملی به رهبری حریری با ۳۰ وزیر در تاریخ ۹ ژانویه ۲۰۱۹ تشکیل شد.

T۳: انقلاب ۱۷ اکتبر (۲۰۱۹)

پس از اعلام طرح هایی برای وضع مالیات بر بنزین، دخانیات و تماس های اینترنتی (VoIP)، موجی از اعتراضات مردمی فراگیر سراسر لبنان را در بر گرفت. این اعتراضات، فراتر از مطالبات اقتصادی، به جنبشی ضد دولتی و ضد ساختار فرقه ای سیاسی بدل شد. این جنبش بی سابقه با حضور گسترده اقصاء مختلف، در نهایت به استعفای سعد حریری در ۲۹ اکتبر ۲۰۱۹ انجامید. خواسته اصلی معترضان، تشکیل دولتی از تکنوکرات های مستقل بود. در پاسخ، در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰، دولت «تکنو-سیاسی» به رهبری حسان دیاب تشکیل شد؛ با این حال، بیشتر وزرا از سوی احزاب اصلی معرفی شده بودند.

T۴: انفجار بندر بیروت (۴ اوت ۲۰۲۰)

در تاریخ ۴ اوت ۲۰۲۰، انفجاری عظیم در انبار بندر بیروت رخ داد. این حادثه مرگبار بیش از ۲۰۰ کشته، ۶۵۰۰ زخمی و آوارگی ۳۰۰ هزار نفر برجای گذاشت. خسارت اقتصادی آن بین ۱.۸ تا ۲ میلیارد دلار برآورد شد. علت انفجار، نگهداری ۲۷۵۰ تن نیترا آمونیوم بود که پیش تر از یک کشتی غیرقانونی توقیف شده بود. در پی این حادثه، خشم عمومی علیه دولت و فساد ساختاری افزایش یافت. ۴ روز بعد (۸ اوت)، معترضان وزارت خارجه را اشغال کرده و خواستار انقلاب شدند. روند تحقیق درباره این حادثه به سرعت به موضوعی سیاسی بدل شد و اختلافات عمیقی میان احزاب و چهره های سیاسی ایجاد کرد.

T۵: انتخابات سراسری ۲۰۲۲ (۱۵ مه ۲۰۲۲)

در این انتخابات که شامل ۱۲۸ کرسی بود، ائتلاف حاکم یعنی نیروهای ۸ مارس به رهبری حزب الله، جنبش امل و جریان ملی آزاد، نتوانست اکثریت را حفظ کند. با این حال، این شکست به معنای پیروزی نیروهای ۱۴ مارس نیز نبود؛ چرا که جریان المستقبل (حزب اصلی این ائتلاف) تصمیم گرفته بود در انتخابات شرکت نکند. در نتیجه، نیروهای لبنانی (القوات اللبنانية) تنها اندکی تعداد کرسی های خود را افزایش دادند، اما نامزدهای مستقل با جهشی چشمگیر، از ۱ کرسی به ۱۳ کرسی رسیدند.

T۶: آشتی ایران و عربستان (۱۰ مارس ۲۰۲۳)

در این تاریخ، ایران و عربستان سعودی با میانجی گری چین، از از سرگیری روابط دیپلماتیک خبر دادند. این توافق، گامی مهم در جهت کاهش تنش های منطقه ای تلقی شد. هر دو کشور تا پیش از آن، یکدیگر را رقیب ژئوپلیتیک و تهدیدی برای سلطه منطقه ای خود می دانستند و در کشورهایی چون لبنان، سوریه، عراق و یمن از جناح های متضاد حمایت می کردند. واکنش نیروهای سیاسی لبنان به این توافق «آمیخته» و «محتاطانه خوش بینانه» بود. با این حال، بسیاری تحلیل گران توافق را به نفع حزب الله و متحدانش دانستند؛ چرا که کاهش تنش منطقه ای، احزاب نزدیک به عربستان را نیز به مصالحه پذیری سوق می دهد. نصرالله این توافق را تحولی مثبت خواند که می تواند «افق های جدیدی» در منطقه بگشاید و ابراز امیدواری کرد که بر انتخابات ریاست جمهوری لبنان نیز تأثیر مثبت بگذارد.

TV: جنگ غزه (۱۷ اکتبر ۲۰۲۳)

در روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳، جنبش حماس حمله‌ای غافلگیرانه به اسرائیل انجام داد. در واکنش، حزب‌الله نیز فردای آن روز (۸ اکتبر)، به‌عنوان حمایت از حماس، حمله موشکی و توپخانه‌ای به منطقه شبعان انجام داد که آن را بخشی از خاک لبنان می‌داند. در نتیجه، تنش‌ها در مرز اسرائیل و لبنان به‌سرعت افزایش یافت. نصرالله در ۳ نوامبر، در نخستین سخنرانی خود پس از آغاز درگیری، اعلام کرد که حزب‌الله «از ۸ اکتبر در حالت جنگ با اسرائیل قرار دارد» و هشدار داد که «این پایان ماجرا نیست. همه سناریوها روی میز است.»

فرضیه‌ها، داده‌ها و طراحی تحلیلی

فرضیه‌ها

پرسش اصلی این است: در چه شرایطی حزب‌الله تمایل دارد مواضع مثبتی نسبت به احزاب رقیب اتخاذ کند؟ نویسنده چهار شرط محتمل را مطرح می‌کند که هر یک به شکل یک فرضیه جداگانه بررسی می‌شوند:

فرضیه اول (H۱): بحران‌های ملی

یکی از شرایط محتمل، وقوع بحران‌های اجتماعی-اقتصادی مانند بحران مالی یا فجایع طبیعی است. در چنین بحران‌هایی که کل کشور را در بر می‌گیرد، معمولاً انتظار می‌رود احزاب و سیاستمداران – به‌ویژه آنان که در قدرت هستند – منافع حزبی را کنار گذاشته و برای نجات کشور و ملت، پیام‌ها و سیاست‌هایی مبتنی بر وحدت ملی صادر کنند.

در علم سیاست، این پدیده با عنوان «اثر تجمع حول پرچم» (rally 'round the flag effect) شناخته می‌شود؛ یعنی در زمان بحران، مردم تمایل دارند از دولت یا قدرت مستقر حمایت کنند. از این رو، پیش‌بینی می‌شود که رویکرد عقلانی برای احزاب، درخواست برای وحدت ملی به‌منظور جلب حمایت عمومی گسترده‌تر باشد.

با توجه به اینکه لبنان پس از اواخر ۲۰۱۹ با بحران‌های اجتماعی-اقتصادی مواجه بوده، می‌توان فرض کرد که حزب‌الله – به‌عنوان بخشی از دولت وحدت ملی – در دوران بحران‌های سراسری، مواضع مصالحه‌جویانه‌تری نسبت به احزاب رقیب اتخاذ کند.

H۱: در شرایط بحران ملی، حزب‌الله احتمالاً موضعی مصالحه‌آمیزتر نسبت به احزاب رقیب در پیش می‌گیرد.

فرضیه دوم (H۲): روابط ایران و عربستان

عامل دوم تأثیرگذار بر موضع حزب‌الله، رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی است. حزب‌الله از زمان تأسیس در اوایل دهه ۱۹۸۰، از حمایت گسترده ایران برخوردار بوده و به‌عنوان نماینده منافع ایران در لبنان عمل کرده است. نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، از سال ۱۹۹۲ تاکنون، نماینده رسمی ولی‌فقیه ایران (علی خامنه‌ای) در لبنان است.

پس از انقلاب سرو در ۲۰۰۵ و شکل‌گیری دو ائتلاف اصلی (۸ مارس و ۱۴ مارس)، بسیاری از ناظران این ائتلاف‌ها را نمایندگان نیابتی ایران و عربستان در لبنان دانسته‌اند. رقابت این دو کشور در پس‌زمینه بسیاری از تنش‌ها، از جمله در روندهای تشکیل کابینه، حضور داشته است.

در این چارچوب، حزب‌الله نقش خود را در سیاست داخلی لبنان به‌عنوان نماینده منافع ایران تعریف می‌کند؛ و این نقش، راهبردی برای کسب حمایت مالی، سیاسی و نظامی ایران تلقی می‌شود.

H۲: در شرایطی که روابط ایران و عربستان بهبود یابد، حزب‌الله احتمالاً مواضع مثبت‌تری نسبت به احزاب رقیب اتخاذ می‌کند.

فرضیه سوم (H۳): دشمنان خارجی و مقاومت مسلحانه

حزب‌الله خود را نیروی مقاومت در برابر تهدیدات خارجی می‌داند؛ از جمله در برابر اسرائیل، ایالات متحده، و اخیراً گروه‌های تکفیری مانند داعش و القاعده.

شاخه نظامی حزب‌الله یعنی «مقاومت اسلامی در لبنان»، نقشی کلیدی در هویت این حزب دارد. طبق توافق طائف ۱۹۹۰، این شاخه به‌عنوان نیروی مقاومت از خلع سلاح معاف شد. افزون بر این، در نوامبر ۱۹۹۷، تیپ‌های مقاومت لبنانی (سرایا المقاومة)، که ساختاری فراقرقه‌ای داشتند، به‌طور رسمی از سوی دولت به‌رسمیت شناخته شدند.

بنابراین، حزب‌الله همواره تلاش کرده دشمنان خارجی را تهدیدی مشترک برای همه لبنانی‌ها نشان دهد و از این طریق، گفت‌وگو خود را بر وحدت ملی استوار سازد.

H۳: هنگامی که حزب الله درباره دشمنان خارجی (اسرائیل، آمریکا، تکفیری‌ها) سخن می‌گوید، احتمال بیشتری دارد که موضعی دوستانه‌تر نسبت به احزاب رقیب اتخاذ کند.

فرضیه چهارم (H۴): نظام انتخاباتی و نهادهای سیاسی

عامل چهارم، ساختار سیاسی، به‌ویژه نظام انتخاباتی است. دوره‌های انتخاباتی، لحظاتی به‌شدت سیاسی شده هستند که در آن‌ها رقابت میان احزاب تشدید می‌شود. در این دوره‌ها، احزاب معمولاً اختلافات ایدئولوژیک و هویتی خود را پررنگ می‌کنند و با لحن تند، رقبای خود را مورد انتقاد قرار می‌دهند. اما در لبنان، که نظام سیاسی مبتنی بر تقسیم قدرت فرقه‌ای و اجماع‌محور است، احزاب ناگزیرند در دوره‌های انتخابات، با احزاب دیگر از فرقه‌ها و گرایش‌های مختلف ائتلاف کنند. همچنین رقابت‌ها، نه تنها بین فرقه‌ای، بلکه درون فرقه‌ای نیز وجود دارد؛ چرا که کرسی‌های پارلمان به‌صورت فرقه‌ای تخصیص یافته‌اند.

در نتیجه، منطقی است که احزاب برای جلب حمایت عمومی و شکل‌گیری ائتلاف‌های انتخاباتی، در دوره‌های تبلیغات انتخاباتی، لحنی ملایم‌تر نسبت به رقبای خود اتخاذ کنند.

H۴a: در دوره‌های تبلیغات انتخاباتی، حزب الله احتمالاً مواضع دوستانه‌تری نسبت به احزاب رقیب اتخاذ می‌کند.

از این فرضیه می‌توان نتیجه گرفت که پس از انتخابات، به‌ویژه در دوره‌های تشکیل کابینه، موضع حزب الله ممکن است تغییر کند. در این دوره‌ها، برخلاف پارلمان، سهمیه‌بندی فرقه‌ای برای وزرا مشخص نیست، و احزاب باید برای تقسیم کرسی‌های وزارتخانه‌ها با یکدیگر مذاکره کنند. طبق توافق دوحه ۲۰۰۸، اصل بر آن است که پست‌ها میان احزاب اصلی – چه پیروز و چه بازنده – تقسیم شود، تا دولت وحدت ملی تشکیل شود. با این حال، این سازوکار اغلب منجر به خلأ سیاسی شده است؛ چرا که برخورد منافع حزبی، روند مذاکرات را به بن‌بست می‌کشد.

H۴b: در دوره‌های پس از انتخابات، به‌ویژه در جریان مذاکرات تشکیل کابینه، حزب الله احتمالاً مواضع تهاجمی‌تری نسبت به احزاب رقیب اتخاذ می‌کند.

داده‌ها و طراحی تحلیلی (Data and Analytical Design)

داده‌هایی که برای ساخت پیکره (corpus) تحلیل کمی متون در این مقاله به کار رفته‌اند، از **بایگانی مقالات خبری عربی موجود در وب‌سایت رسمی المنار** (<https://www.almanar.com.lb>) استخراج شده‌اند. این داده‌ها از طریق یک اسکریپت پایتونی و به‌صورت خودکار، از صفحات **سیاست (سیاسة) و بین‌الملل (دولية)** جمع‌آوری شده‌اند.

در مجموع، ۶۴۶۵۷ مقاله خبری از تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۱۷ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ گردآوری شد. این مقالات به ترتیب زمانی مرتب شده‌اند. مقاله‌هایی که محتوای تکراری داشتند یا کمتر از ۱۰ واژه بودند، حذف شدند.

Table 1. Target Words.

Hezbollah's rival parties and their leaders	
The Mustaqbal Movement	تيار المستقبل المستقبل
The Lebanese Forces	القوات اللبنانية
The Lebanese Phalangist Party	حزب الكتائب اللبنانية الكتائب
The March 14 Forces	تحالف 14 آذار 14 آذار
Jumblatt	جملاط
Hariri	الحريري
Geagea	جعجع
Gemayel	الجميل

برای بررسی تجربی اینکه چه زمانی و تا چه اندازه لحن پوشش خبری المنار نسبت به احزاب رقیب حزب الله (به‌ویژه ائتلاف نیروهای ۱۴ مارس) تغییر کرده است، داده‌ها با استفاده از بسته آماری Quanteda در زبان برنامه‌نویسی R پیش‌پردازش شده و سپس طی سه مرحله تحلیل شدند:

مرحله اول: تحلیل معنایی نهفته (Latent Semantic Scaling – LSS)

برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم، این مقاله از یادگیری ماشین نیمه‌نظارتی با عنوان مقیاس‌گذاری معنایی نهفته (LSS) استفاده می‌کند. این الگوریتم، هر سند خبری (مقاله) را بر اساس «لحن مثبت یا منفی» نسبت به احزاب رقیب، روی یک محور یک‌بعدی قرار می‌دهد. LSS با استفاده از واژگان از پیش تعیین‌شده به نام واژگان بذر (seed words)، میزان شباهت معنایی هر واژه دیگر در پیکره را با این واژگان محاسبه کرده و موقعیت هر سند را در این طیف مشخص می‌کند.

مرحله دوم: تحلیل واژگانی (Lexical Analysis)

برای آزمون فرضیه سوم (H3)، مقاله تحلیل واژگانی انجام داده تا بررسی کند که المنار هنگام گزارش درباره دشمنان حزب الله (اسرائیل، آمریکا و تکفیری‌ها)، چگونه احزاب رقیب را معرفی کرده است. برای این منظور، مجموعه‌ای از واژه‌های مرتبط با هر یک از این موضوعات (سه دشمن فرضی) طراحی شد و تمام متون خبری موجود در پیکره، بر اساس این واژگان دسته‌بندی و تحلیل شدند.

مرحله سوم: تحلیل آماری نهایی

در این مرحله، مقاله با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از دو مرحله‌ی قبل (LSS و تحلیل واژگانی)، به‌صورت کمی بررسی می‌کند که در چه شرایطی حزب الله لحن دوستانه یا تهاجمی نسبت به احزاب رقیب اتخاذ کرده است. تمرکز بر این است که رویدادها و مسائل خاص در سیاست لبنان چه تأثیری بر لحن رسانه‌ای حزب الله گذاشته‌اند.

نتایج تحلیل و آزمون فرضیه‌ها (Analysis Results and Hypothesis Testing)

تحلیل LSS و واژگانی

در گام نخست، تحلیل LSS با استفاده از واژگان بذر (seed words) انجام شد تا میزان مثبت یا منفی بودن لحن المنار نسبت به نیروهای ۱۴ مارس اندازه‌گیری شود.

الگوریتم LSS نوعی یادگیری ماشین نیمه‌نظارتی است که از تعداد محدودی واژه با بار معنایی (مثبت یا منفی) استفاده می‌کند تا نمره قطبیت (polarity score) سایر واژه‌های موجود در پیکره را تعیین کند. این تحلیل سه گام دارد:

محاسبه شباهت معنایی واژه‌ها با تکنیک‌های تعبیه واژه (word embedding)؛

تخصیص نمره قطبیت به واژه‌ها بر اساس شباهت آن‌ها به واژه‌های مثبت یا منفی؛

محاسبه نمره قطبیت متون خبری و تعیین جایگاه هر سند در فضای معنایی بین قطب‌های مثبت و منفی.

در این مقاله:

قطب مثبت با واژگانی مانند میهن‌پرستی، صلح، وحدت نمایش داده شد؛

قطب منفی با واژگانی مانند فرقه‌گرایی، جنگ، تفرقه تعریف شد.

این واژه‌ها از طریق **بررسی دستی دقیق توسط نویسندگان** و مطالعه نمونه‌های متعدد از متون انتخاب شدند.

در تحلیل LSS:

به واژه‌های مثبت، وزن +۱ و به واژه‌های منفی، وزن -۱ داده شد؛

واژه‌هایی که بیشترین هم‌پوشانی معنایی و هم‌نشینی با این واژگان بذر داشتند، توسط الگوریتم شناسایی و امتیازدهی شدند؛

در نهایت، **تمام مقالات خبری** بررسی شدند تا مشخص شود تا چه میزان واژه‌های مثبت یا منفی در پوشش خبری المنار درباره احزاب رقیب پررنگ بوده‌اند.

Table 2. Seed Words.

Positive		Negative	
Nationalism	وطنية الوطنية وطن وطني سلام ازدهار ثابت استقرار آمن	Sectarianism	طائفية الطائفية طائفي الطائفي حرب اهلية الحرب الالهية ازمة عنف خطر فتنة
Peace		War	
Unity	وحدة شقيق شقيقي اتفاق مشاركة	Division	فوضى طاع تقسيم خصم الصراعات انفصال تعارض

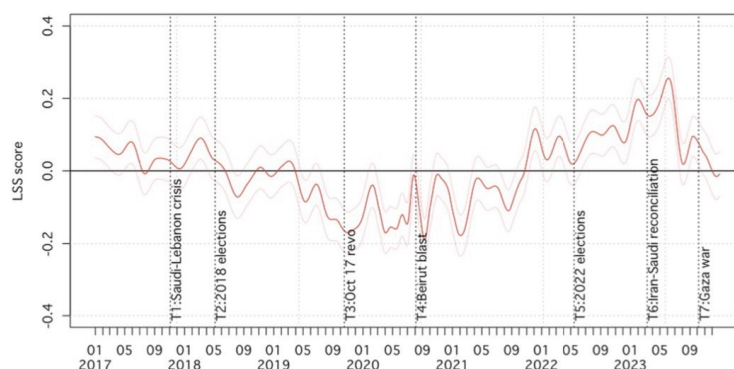


Figure 1. Al-Manar's reporting tone on Hezbollah's rival parties.

نمودار شماره ۱ در مقاله، تغییرات روزانه میانگین نمره LSS را برای مقالات نشان می‌دهد (خط چین در نمودار، فاصله اطمینان ۹۵ درصد را نمایش می‌دهد).

طراحی داده و تحلیل (Data and Analytical Design)

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش برای ساخت پیکره تحلیل کمی متون از آرشیو مقالات خبری عربی وبسایت رسمی شبکه المنار (<https://www.almanar.com.lb>) گردآوری شده‌اند. این داده‌ها با استفاده از یک اسکریپت پایتونی، از صفحات سیاست (سیاسة) و بین‌الملل (دولية) وبسایت استخراج شده‌اند.

در مجموع، ۶۴۶۵۷ مقاله خبری بین ۱ ژانویه ۲۰۱۷ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ جمع‌آوری شد. مقالات بر اساس ترتیب زمانی مرتب شدند و مقاله‌هایی که تکراری بودند یا کمتر از ۱۰ واژه داشتند، از مجموعه حذف شدند.

برای تحلیل تجربی اینکه چه زمانی و تا چه اندازه لحن المنار نسبت به احزاب رقیب حزب الله، به‌ویژه نیروهای ۱۴ مارس، تغییر کرده است، از نرم‌افزار آماری Quanteda در زبان R استفاده شد. تحلیل در سه مرحله انجام گرفت:

۱. مقیاس‌گذاری معنایی نهفته (LSS)

برای آزمون فرضیه‌های ۱ و ۲، از الگوریتم یادگیری ماشین نیمه‌نظارتی با عنوان LSS استفاده شد. این الگوریتم، هر سند متنی (مقاله خبری) را در یک محور یک‌بعدی با استفاده از واژگان کلیدی از پیش تعیین‌شده به نام واژگان بذر (seed words) موقعیت‌یابی می‌کند.

LSS فاصله معنایی میان واژگان بذر و سایر واژگان را محاسبه کرده و برای هر سند، نمره LSS مشخصی در نظر می‌گیرد. این نمره مشخص می‌کند که مقاله تا چه حد از نظر لحن، مثبت یا منفی است.

واژگان «مثبت» شامل واژه‌هایی مانند میهن‌پرستی، صلح، وحدت بودند.

واژگان «منفی» شامل واژه‌هایی مانند فرقه‌گرایی، جنگ، تفرقه بودند.

این واژه‌ها از طریق بررسی دستی دقیق و مطالعه متون نمونه توسط نویسنده استخراج شدند. در تحلیل، به واژگان مثبت وزن +۱ و به واژگان منفی وزن -۱ داده شد. سپس با الگوریتم یادگیری ماشین، واژگان هم‌نشین با این کلمات در کل پیکره شناسایی و امتیازدهی شدند.

Table 3. Issue and words.

Israel		US		Takfiris	
Israel	إسرائيل	United States of America	الولايات المتحدة الأمريكية	Terrorist (n, adj)*	ارهابی
Israeli (n, adj)*	إسرائيلي	United States	الولايات المتحدة	The terrorist (n, adj)*	الإرهابي
The Israeli (n, adj)*	الإسرائيلي	America	أمريكا	The terrorists	الإرهابيون
The Israelis	الإسرائيليين	American (n, adj)*	أمريكي	The terrorists	الإرهابيين
The Israelis	الصهيونيين	The American (n, adj)*	الأمريكي	Da'ish	داعش
Zionism	صهيونية	The Americans	الأمريكيون	Takfiri (n, adj)*	تكفيري
Zionist (n, adj)*	صهيوني	The Americans	الأمريكيين	The takfiri (n, adj)*	التكفيريون
the Zionist (n, adj)*	الصهيوني			The takfiris	التكفيريين
The Zionists	المسيحية			The takfiris	التكفيريين
The occupier (n, adj)	المحتل			Salafi (n, adj)*	سلفي
The occupiers	المحتلون			The salafi (n, adj)*	السلفي
The occupiers	المحتلين			The salafis	السلفيون
				The salafis	السلفيين

Note: *Means an arbitrary string of letters based on grammatical case inflections in Arabic (e.g. jihadi* for jihadist, jihadism etc.).

در نتیجه، تمام متون خبری تحلیل شدند تا مشخص شود در پوشش خبری المنار درباره احزاب رقیب، واژگان مثبت یا منفی چقدر استفاده شده‌اند. نمودار ۱ تغییرات میانگین نمره LSS در طول زمان را نشان می‌دهد (خطچین‌ها فاصله اطمینان ۹۵٪ را نمایش می‌دهند). در این نمودار:

محور عمودی: هرچه مقدار بالاتر از صفر باشد، لحن مثبت‌تر است؛ هرچه پایین‌تر باشد، لحن منفی‌تر.

محور افقی: نقاط زمانی (T۱ تا T۷) رویدادهای کلیدی لبنان را نشان می‌دهد.

پس از انتخابات ۲۰۱۸ (T۲)، لحن المنار نسبت به نیروهای ۱۴ مارس روندی نزولی داشت؛ در نیمه دوم ۲۰۱۹ و در جریان انقلاب ۱۷ اکتبر (T۳) و به‌ویژه پس از انفجار بندر بیروت (T۴)، این لحن به پایین‌ترین حد خود رسید. سپس پس از انتخابات ۲۰۲۲ (T۵) روند صعودی داشت و پس از آشتی ایران و عربستان در مارس ۲۰۲۳ (T۶) به بالاترین حد خود رسید. اما در جنگ غزه (T۷) در اکتبر ۲۰۲۳، دوباره کاهش یافت.

۲. تحلیل واژگانی و آزمون فرضیه سوم

بر پایه فرضیه سوم که می‌گوید حزب الله در مواجهه با دشمنان خارجی (اسرائیل، آمریکا، تکفیری‌ها) مواضع متحدانه‌تری نسبت به احزاب رقیب اتخاذ می‌کند، نویسنده مجموعه‌ای از واژگان برای این سه موضوع طراحی کرد (جدول ۳) تا فرکانس استفاده از این واژه‌ها در هر مقاله خبری سنجیده شود و امتیاز واژگانی برای هر متن محاسبه گردد.

آزمون فرضیه‌ها (Hypothesis Testing)

برای آزمون فرضیه‌ها، نویسنده با استفاده از روش رگرسیون خطی معمولی (OLS) تحلیل آماری انجام داد. در این تحلیل، نمره LSS هر مقاله به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و عوامل مختلف به‌عنوان متغیر مستقل وارد معادلات شدند:

- مدل ۱: برای آزمون فرضیه‌های ۱ و ۲، از متغیرهای مجازی برای هفت مرحله کلیدی سیاسی T۱ تا T۷ استفاده شد (مبنای مقایسه، دوره پیش از T۱ بود).
- مدل ۲ و ۳: برای آزمون فرضیه ۳، متغیرهای واژگانی سه مسئله دشمن (اسرائیل، آمریکا، تکفیری‌ها) به معادله اضافه شدند و برای ارزیابی اثرات زمانی، متغیرهای تعاملی بین Tها و موضوع‌ها هم گنجانده شدند.
- مدل ۴: برای آزمون فرضیه‌های ۴a و ۴b، دو متغیر مجازی ساخته شد:

۱. دوره تبلیغات انتخاباتی: ۶۰ روز پیش از روز انتخابات، از زمان پایان ثبت‌نام نامزدها.

۲. دوره تشکیل کابینه: ۱۱ روز پس از انتخابات یا استعفای نخست‌وزیر، بر پایه میانگین زمان تشکیل دولت از سال ۲۰۰۵ به این سو.

نتایج آزمون فرضیه ۱: (H۱) بحران‌های ملی

بر اساس مدل ۱، نمودار ۲ نشان می‌دهد که در (دوره T۳ انقلاب ۱۷ اکتبر) و (T۴ انفجار بندر بیروت)، نمرات LSS به‌شدت کاهش یافته‌اند و حتی به زیر صفر رسیده‌اند. یعنی در زمان بحران‌های ملی، المنار احزاب رقیب را با واژگانی منفی مانند فرقه‌گرایی، جنگ داخلی و تفرقه توصیف کرده است.

نتیجه: برخلاف فرضیه ۱، در دوران بحران، حزب الله مواضع وحدت طلبانه و فراقرقه ای اتخاذ نکرده، بلکه از این بحران ها برای تشدید رقابت سیاسی و حذف مسئولیت از خود استفاده کرده است.

این یافته ها نشان می دهد که در لبنان، برخلاف نظریه کلاسیک دموکراسی توافقی که انتظار دارد بحران ها باعث همبستگی نخبگان و ثبات سیاسی شود (اثر "تجمع حول پرچم")، در عمل، تهدیدهای ملی موجب افزایش شکاف ها می شود؛ زیرا برداشت فرقه های مختلف از تهدیدهای بیرونی، یکسان نیست.

Table 4. OLS regression results.

	Model 1	Model 2	Model 3	Model 4
	Event	Issue	Event × Issue	Election
(Intercept)	0.073*** (0.010)	0.004 (0.004)	0.107*** (0.011)	0.017*** (0.005)
T1: Saudi-Lebanon crisis	-0.030 (0.019)		-0.029 (0.023)	
T2: 2018 Election	-0.115*** (0.013)		-0.149*** (0.015)	
T3: October 17 Revolution	-0.199*** (0.014)		-0.229*** (0.016)	
T4: Beirut port blast	-0.111*** (0.012)		-0.148*** (0.014)	
T5: 2022 Election	0.032* (0.016)		-0.016 (0.018)	
T6: Iran-Saudi reconciliation	0.071*** (0.018)		0.047* (0.021)	
T7: Gaza war	-0.067*** (0.024)		0.079* (0.036)	
Israel		-0.031*** (0.011)	-0.113*** (0.024)	
US		0.014 (0.022)	-0.097 (0.056)	
takfrīs		0.007 (0.016)	-0.034 (0.024)	
Israel × T1: Saudi-Lebanon crisis			-0.019 (0.046)	
Israel × T2: 2018 Election			0.110*** (0.046)	
Israel × T3: October 17 revolution			0.104* (0.047)	
Israel × T4: Beirut port blast			0.129*** (0.035)	
Israel × T5: 2022 Election			0.194** (0.043)	
Israel × T6: Iran-Saudi reconciliation			0.049 (0.046)	
Israel × T7: Gaza war			-0.192*** (0.051)	
US × T1: Saudi-Lebanon crisis			0.135 (0.094)	
US × T2: 2018 Election			0.095 (0.076)	
US × T3: October 17 revolution			0.074 (0.086)	
US × T4: Beirut port blast			0.142* (0.073)	
US × T5: 2022 Election			0.161 (0.086)	
US × T6: Iran-Saudi reconciliation			0.297** (0.105)	
US × T7: Gaza war			0.022 (0.097)	
takfrīs × T1: Saudi-Lebanon crisis			0.043 (0.060)	
takfrīs × T2: 2018 Election			0.033 (0.046)	
takfrīs × T3: October 17 revolution			-0.131 (0.086)	
takfrīs × T4: Beirut port blast			0.052 (0.055)	
takfrīs × T5: 2022 Election			-0.014 (0.082)	
takfrīs × T6: Iran-Saudi reconciliation			-0.080 (0.087)	

Table 4. Continued.

	Model 1	Model 2	Model 3	Model 4
takfrīs × T7: Gaza war			0.139 (0.113)	
Election campaign				0.031 (0.026)
Cabinet formation				-0.083*** (0.009)
Sigma	0.997	1.000	0.996	0.999
adj. R-squared	0.006	0.000	0.008	0.001
F	58.740	2.656	17.251	41.986
p	0.000	0.047	0.000	0.000
N	64,657	64,657	64,657	64,657

Significance: *** = $p < 0.001$; ** = $p < 0.01$; * = $p < 0.05$.

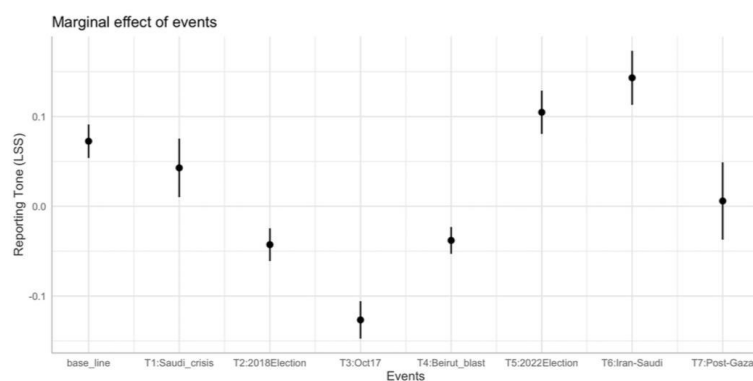


Figure 2. Marginal effect of events on Al-Manar's reporting tone.

آزمون فرضیه‌ها و تحلیل نتایج

نمودار ۱ که تغییرات لحن رسانه‌ای المنار را در طول زمان نشان می‌دهد، بیانگر آن است که حزب‌الله پس از آغاز انقلاب ۱۷ اکتبر در اواخر سال ۲۰۱۹ (T۳)، لحن تهاجمی‌تری نسبت به احزاب رقیب در پیش گرفت. این انقلاب، واکنشی از سوی مردم لبنان به نظام الیگارشی فرقه‌ای و سلطه دو ائتلاف اصلی سیاسی بود.

از آنجا که تمام احزاب سیاسی هدف انتقادهای گسترده مردم قرار گرفتند، حزب‌الله کوشید تا از طریق پوشش رسانه‌ای المنار، بار مسئولیت را به دوش احزاب رقیب بیندازد و خود را در کنار مردم قرار دهد تا از موج اعتراضات مصون بماند.

از سوی دیگر، نمودار ۱ نشان می‌دهد که در روز وقوع انفجار بندر بیروت (T۴)، لحن المنار نسبت به نیروهای ۱۴ مارس نسبتاً مثبت بوده است؛ احتمالاً به این دلیل که در آغاز، این حادثه به‌عنوان فاجعه‌ای غیرسیاسی یا نیمه‌طبیعی تلقی شد. اما این لحن خیلی زود تغییر یافت و رسانه حزب‌الله شروع به انتقاد از دیگر احزاب کرد، به‌گونه‌ای که حادثه به‌سرعت سیاسی شد و حزب‌الله در جهت تعیین مقصران دیگر احزاب را هدف گرفت.

فرضیه دوم: (H۲) تأثیر آشتی ایران و عربستان

برای آزمون فرضیه دوم، تمرکز بر دوره T۶ در نمودار ۲ است؛ یعنی دوره برقراری مجدد روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی در مارس ۲۰۲۳. نمره LSS در T۶ به‌طور معناداری بالاتر از دوره پایه بود، که نشان می‌دهد بهبود روابط دو کشور باعث تعدیل لحن حزب‌الله نسبت به احزاب رقیب شد. در این بازه زمانی، حزب‌الله بیشترین میزان مصالحه‌جویی را نسبت به سایر دوره‌ها نشان داده است. این نتیجه نشان می‌دهد که رفتارهای سیاسی حزب‌الله، و به‌طور کلی روابط میان احزاب در لبنان، تحت تأثیر شدید روابط ایران و عربستان قرار دارد – نکته‌ای که پیش‌تر نیز توسط بسیاری از تحلیل‌گران مطرح شده بود.

بنابراین، فرضیه دوم (H۲) تأیید می‌شود.

با توسعه این فرضیه می‌توان گفت که اگر روابط ایران و عربستان تیره شود، حزب‌الله نیز مواضع تهاجمی‌تری نسبت به رقبایش اتخاذ خواهد کرد. در این مقاله، بحران عربستان و لبنان در سال ۲۰۱۷ (T۱) به‌عنوان نمونه‌ای از تیرگی روابط دو کشور ذکر شده، اما نتایج مدل ۱ نشان می‌دهد که اختلاف لحن در دوره T۱ نسبت به پایه، از نظر آماری معنادار نبوده است.

فرضیه سوم: (H۳) ارتباط با دشمنان خارجی

فرضیه سوم مطرح می‌کند که حزب‌الله هنگام سخن گفتن درباره دشمنانش – اسرائیل، آمریکا و تکفیری‌ها – ممکن است لحن دوستانه‌تری نسبت به احزاب رقیب اتخاذ کند.

در مدل ۲ از جدول ۴، متغیرهای مستقلی مربوط به این سه موضوع وارد شدند. در این میان، متغیر مربوط به اسرائیل بیشترین ضریب رگرسیونی را دارد و تنها متغیر دارای معناداری آماری است.

این به آن معناست که زمانی که موضوع اسرائیل در متون خبری المنار مطرح شده، لحن نسبت به احزاب رقیب منفی‌تر شده است. حزب‌الله همواره اسرائیل را دشمنی جدی و تهدیدی امنیتی معرفی کرده و معمولاً برای تشدید حمله به احزاب رقیب، آن‌ها را با اسرائیل مرتبط ساخته است.

این نتیجه خلاف پیش‌بینی فرضیه سوم است، و در نتیجه فرضیه سوم (H۳) رد می‌شود.

این یافته مشابه نتیجه مربوط به فرضیه اول است که می‌گوید: در شرایط بحران، حزب‌الله به‌جای وحدت‌طلبی، به انتقاد از احزاب رقیب روی می‌آورد. مرحله‌های خاص: بیشترین لحن منفی در چه دوره‌ای؟

سپس تحلیل انجام شد تا مشخص شود در کدام‌یک از دوره‌های T۱ تا T۷، لحن حزب‌الله در موضوع «اسرائیل» به‌ویژه منفی‌تر شده است. برای این کار، متغیرهای تعاملی بین متغیر «اسرائیل» و دوره‌های T۱ تا T۷ در مدل ۳ وارد شدند.

نتایج نشان دادند که پس از آغاز جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳ (T۷)، لحن حزب‌الله نسبت به احزاب رقیب بسیار تهاجمی‌تر شده است. در این زمان، بزرگ‌ترین درگیری از زمان جنگ ۲۰۰۶ در مرز جنوبی لبنان رخ داد و تهدید اسرائیل از نگاه حزب‌الله بسیار پررنگ شد.

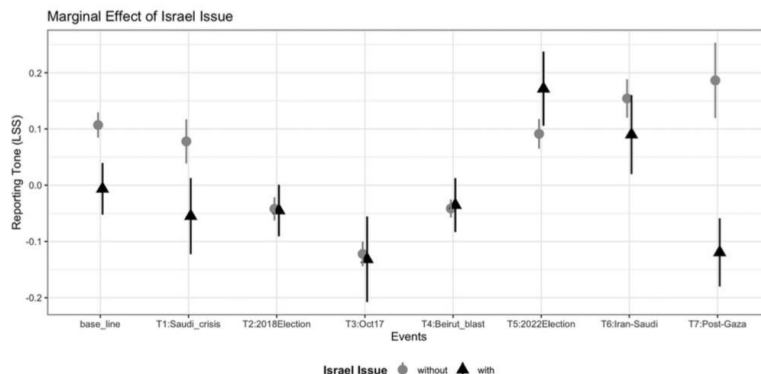


Figure 3. Marginal effect of the "Israel" issue on *Al-Manar's* reporting tone.

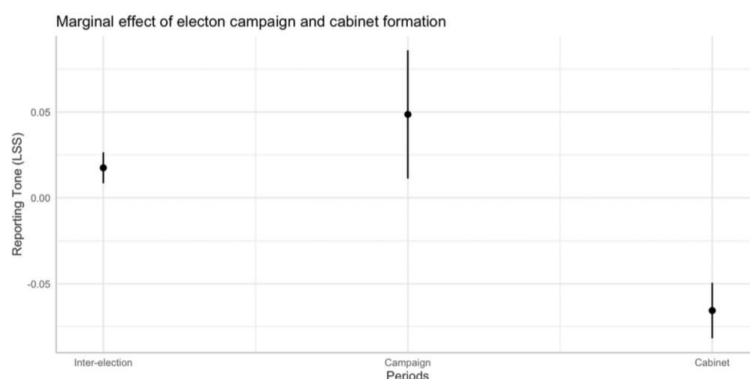


Figure 4. Marginal effect of election campaign and cabinet formation.

نمودار ۳ تفاوت لحن المنار را در گزارش‌هایی که به اسرائیل پرداخته‌اند و آن‌هایی که نپرداخته‌اند، در هر دوره T۱ تا T۷ نشان می‌دهد. به‌جز دوره‌های T۳ (انقلاب ۱۷ اکتبر) و T۵ (انتخابات ۲۰۲۲)، در سایر مراحل، لحن نسبت به احزاب رقیب در مطالب مربوط به اسرائیل اغلب منفی‌تر بوده است. در دوره T۷، این گرایش به‌شدت پررنگ است. به‌ویژه از آن‌رو که حزب الله اغلب نیروهای ۱۴ مارس را به دلیل گرایش‌های نزدیک به عربستان و آمریکا، با اسرائیل مرتبط می‌سازد.

فرضیه چهارم: تأثیر ساختارهای سیاسی (H۴a و H۴b)

در پایان، با استفاده از نتایج مدل ۴، فرضیه‌های ۴a و ۴b درباره تأثیر دوره‌های انتخاباتی و تشکیل کابینه بر لحن رسانه‌ای المنار آزموده شدند. نمودار ۴ اثرات نهایی را نشان می‌دهد:

- در دوره تبلیغات انتخاباتی، حزب الله لحن دوستانه‌تری نسبت به احزاب رقیب داشت؛
- اما در دوره تشکیل کابینه، لحن آن تهاجمی‌تر شد.

با این حال، جدول ۴ نشان می‌دهد که اثر دوره تبلیغات انتخاباتی از نظر آماری معنادار نیست، بنابراین فرضیه ۴a تأیید نمی‌شود. در مقابل، فرضیه ۴b تأیید می‌شود.

این یافته با مطالعات پیشین درباره حزب الله هم‌راستا است؛ مبنی بر اینکه این حزب همواره استراتژی ارتباطات سیاسی خود را بر اساس اقتضانات نهادهای سیاسی لبنان تطبیق داده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، من با بهره‌گیری از تحلیل کمی متون، لحن پوشش رسانه‌ای رسانه اصلی حزب الله، شبکه المنار را بررسی کرده و بار دیگر تأیید کردم که حزب الله در ارتباطات سیاسی خود رویکردی عقلانی، راهبردی و عمل‌گرایانه دارد.

حزب الله با مشارکت در دولت وحدت ملی لبنان و کسب کرسی‌هایی در پارلمان و کابینه، توانست نفوذ خود را افزایش دهد و از این موقعیت‌ها به‌عنوان اهرمی برای پیشبرد منافعش استفاده کند.

زمانی که بحران‌های ملی، نظیر اعتراضات گسترده ضد دولتی و انفجار فاجعه‌بار بندر بیروت رخ داد، حزب الله به‌جای آنکه با سایر نیروهای سیاسی همکاری کند، تلاش کرد تا این رویدادهای کلیدی را به ابزارهایی برای انتقاد از احزاب رقیب تبدیل کند.

این رویکرد همچنین در گفتمان حزب درباره تهدیدات خارجی نیز مشاهده شد؛ جایی که پوشش رسانه‌ای المنار از اسرائیل نشان داد حزب الله تمایل دارد احزاب رقیب را با واژگانی منفی نظیر فرقه‌گرایی مرتبط سازد.

به بیان ساده، حزب الله تلاش کرده است بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی لبنان را به دیگر احزاب نسبت دهد. در چنین دوره‌هایی، مشروعیت حزب الله وابسته به نمایش نقش خود به‌عنوان نیرویی بیرونی در ساختار سیاسی موجود بوده است؛ در حالی که واقعیت این است که حزب، بخشی از دولت بوده. بنابراین، این اعتراضات نوعی تناقض و معضل مشروعیت برای حزب الله ایجاد کرده‌اند؛ حزبی که درون دولت جای گرفته، اما همچنان می‌کوشد خود را «بیرون از حاکمیت» نشان دهد.

از سوی دیگر، بهبود روابط ایران و عربستان سعودی موجب شد که حزب الله لحن مثبت‌تری نسبت به احزاب رقیب اتخاذ کند. این نتیجه نشان می‌دهد که رویکرد حزب الله به‌شدت تحت تأثیر دولت ایران است.

افزون بر این، لحن المنار در دوره‌های تبلیغات انتخاباتی، مطابق انتظار، دوستانه‌تر نسبت به احزاب رقیب بود؛ چرا که تشکیل ائتلاف‌های انتخاباتی فرامذهبی برای کسب کرسی ضروری است. اما در دوره‌های پس از انتخابات و هنگام تشکیل کابینه، لحن حزب تهاجمی‌تر شد، زیرا در این مرحله، تقسیم کرسی‌ها بر اساس فرقه‌ها انجام نمی‌شود و رقابت حزبی تشدید می‌گردد.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که موضع‌گیری حزب الله نسبت به احزاب رقیب در پاسخ به نهادهای سیاسی لبنان و همچنین پویایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دچار نوسان می‌شود.

با در نظر گرفتن این نتایج، رفتارها و گفتارهای حزب الله را نباید در قالب‌های ایستا مانند اسلام‌گرایی یا فرقه‌گرایی تحلیل کرد. حزب الله، به‌ویژه در دوره رهبری سید حسن نصرالله (که تا زمان ترور او در سال ۲۰۲۴ چهره محوری استراتژی ارتباطات سیاسی حزب بود)، به‌طور راهبردی بهترین گزینه‌ها را برای بقای سازمان در برابر تحولات داخلی و خارجی لبنان انتخاب کرده است.

این یافته‌ها حاکی از آن‌اند که بحران‌های لبنان بیشتر از آنکه ناشی از مواضع غیرقابل انعطاف حزب الله باشند، ریشه در نواقص ساختاری دموکراسی توافقی این کشور دارند؛ دموکراسی‌ای که به حکومت نخبگان غیرپاسخگو و الیگارشیک فرقه‌ای طولانی‌مدت دامن زده است. از جمله عوامل مؤثر بر این ناکارآمدی می‌توان به سرمایه‌داری نئولیبرال، شبکه‌های خویشاوندسالار، نظام انتخاباتی، و نفوذ بازیگران خارجی اشاره کرد.

بدیهی است این مقاله پرسش مهمی را نیز بی‌پاسخ باقی می‌گذارد:

آیا سایر احزاب سیاسی لبنان نیز رفتاری مشابه حزب الله دارند؟

اگر چنین گرایشی منحصر به حزب الله نباشد و ریشه در ساختار دموکراسی توافقی لبنان داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که دیگر احزاب نیز الگوهای رفتاری مشابهی را دنبال می‌کنند. پاسخ به این پرسش می‌تواند به درک بهتر پویایی‌های حزبی در لبنان کمک کند.

در نهایت، روش تحلیل کمی متون که در این مقاله به‌کار رفته، می‌تواند برای مطالعه احزاب سیاسی دیگر نیز مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا اکثر رسانه‌های جمعی در لبنان سخنگوی احزاب خاص هستند و در خدمت بسیج سیاسی قرار دارند. به‌کارگیری این روش می‌تواند هم در مطالعات موردی و هم در تحلیل‌های نظری و کلان از سیاست لبنان مؤثر باشد و به بحث‌های گسترده‌تر درباره دموکراسی توافقی نیز یاری رساند.